

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سيزدهم محرم ۱۴۴۶ مطابق با ۱۴۰۳/۴/۲۸

شهادت جانسوز چهارمین خورشید امامت و ولایت امام سیدالساجدين (عليه السلام)

را به پیشگاه پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرینش به ویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (عج) که صاحب عزا هستند و همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

مظلوم و به داغ و بلا مبتلا منم
يك عمر گریه کرده ام از غربت حسین
عمری سفير واقعه كربلا منم
بنیان گذار نهضت اهل بُکا منم
دارم به دوش خود عَلم انقلاب اشك
از كربلا پیمبر اشك و دعا منم

امام سید الساجدين فرمودند: «اللَّهُمَّ وَأَيَّمَا غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَحِزْبُكَ الْأَقْوَى وَحَظُّكَ الْأَوْفَى... وَاعْزِلْ عَنْهُ الرِّيَاءَ وَخَلِّصْهُ مِنَ السَّمْعَةِ وَاجْعَلْ فِكْرَهُ وَذِكْرَهُ وَظَعْنَهُ وَإِقَامَتَهُ فِيكَ وَ لَكَ- خدایا! هر رزمنده‌ای از معتقدان به دین تو که به رزم برخاست، (جهادگران فرهنگی و سیاسی، نظامی و...) یا هر مجاهدی از پیروان احکام تو که به جهاد با دشمنان پرداخت تا دین تو برتر و حزب تو نیرومندتر و دستورات تو گسترده‌تر شود...، ریا و خودنمایی و خودپرستی را از او دور کن و او را از شهرت‌طلبی برهان، و فکر و ذکر و سفر و حضر او را پاک و خالص برای خودت قرار ده!» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷، فرازهای ۱۳ و ۱۴)

موضوع تدبر:

مهم‌ترین وظایفی که امام سیدالساجدين برای مجاهدین راه اسلام، در قالب دعا برمی‌شمارد، چه اموری هستند؟ و چگونه باید عملی شوند؟

پاسخ اجمالی:

زحمات مجاهدین راه اسلام زمانی مثمر ثمر خواهد بود که از ریا (آلوده کردن اهداف الهی به اغراض دنیایی) پرهیز داشته باشند، در غیر این صورت سوابق نیک گذشته هم نابود می‌شود. این مسأله در مورد خواص از چهره‌های دینی، سرنوشت‌ساز تر است؛ تا آنجا که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از دست ریاکاران امت اشک می‌ریخت؛ شداد بن اوس می‌گوید: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را گریان دیدم. عرض کردم: چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: «إِنِّي تَخَوَّفْتُ عَلَى أُمَّتِي الشَّرْكَ أَمَا إِنَّهُمْ لَا يَعْبُدُونَ صَنَمًا وَلَا شَمْسًا وَلَا قَمَرًا وَلَا حَجَرًا وَلَكِنَّهُمْ يَرَأَوْنَ بِأَعْمَالِهِمْ؛ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۸۰) من بر اتم از شرک و چندگانه پرستی بیمناکم! بدانید آنها بت نخواهند پرستید و نه خورشید و ماه و [قطعات] سنگ را؛ ولی در اعمالشان ریا می‌کنند [و از این طریق وارد وادی شرک می‌شوند].» «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يَرَأَوْنَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»؛ (ماعون / ۴ - ۷) «وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند؛ همان کسانی که ریا

می‌کنند و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می‌نمایند!» خلاصی از ریا و تحصیل اخلاص و بر مدار رضای خداوند ثابت قدم ماندن، با اصلاح نفس و ترک خود پرستی و نیز با مراقبت، امکان‌پذیر است؛ لکن مجاهدت علمی و عملی می‌خواهد تا مرز خودپرستی از خداپرستی تشخیص داده شود، در شرح دعای امام سجاد علیه‌السلام به تفصیل مطلب خواهیم پرداخت.

رسم عاشق نیست با یک دل دو دلبر داشتن یا ز جانان یا زجان باید که دل برداشتن
یا اسیر بند جانان باش یا در بند جان زشت باشد نو عروسی را دو شوهر داشتن

پاسخ تفصیلی:

امام سیدالساجدین علیه‌السلام در مناجات به پیشگاه پروردگار عرضه می‌دارد: «وَلَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَةٍ» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۱۳۱) [پروردگار!] کارهای نیک مرا به سبب معصیت و نافرمانی که [بعداً] با آنها آمیخته می‌شود، تباہ مساز! حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «تَصْفِيَةُ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ» (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۹۰، ح ۱) خالص کردن عمل از خود عمل سخت‌تر است.»

و امام صادق علیه‌السلام هم می‌فرماید: «الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ» (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۳۰، ح ۶) باقی ماندن بر عمل تا خالص شود، سخت‌تر از خود عمل می‌باشد.»

امام خمینی قدس سره درباره گناه عظیم ریا می‌فرماید: «انسان تا آخر عمرش هیچ‌گاه از شرّ شیطان و نفس مأمون نیست. گمان نکند که عملی را که به‌جا آورد برای خدا و رضای مخلوق را در آن داخل نکرد، دیگر از شرّ نفس خبیث در آن محفوظ می‌ماند؛ اگر مواظبت و مراقبت از آن ننماید، ممکن است نفس او را وادار کند به اظهار آن. و گاه شود که اظهار آن را به کنایه و اشاره نماید؛ مثلاً نماز شب خود را بخواهد به چشم مردم بکشد، با حقه و سالوس از هوای خوب یا بد سحر و مناجات یا اذان مردم زکری کند، و با مکاید خفیه نفس، عمل خود را ضایع و از درجه اعتبار ساقط کند. انسان باید مثل طبیب و پرستار مهربان، از حال خود مواظبت نماید و مهار نفس سرکش را از دست ندهد که به مجرد غفلت، مهار را بگسلاند و انسان را به خاک مذلت و هلاکت کشاند و در هر حال، به خدای تعالی پناه برد از شرّ شیطان و نفس اماره؛ «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»؛ (یوسف / ۵۳). «نفس آدمی او را پیوسته به بدی فرمان دهد، مگر آنکه پروردگارم رحم نماید.» (شرح چهل حدیث، ص ۳۳۰)

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

دوش می‌گفت که حافظ همه روی است و ریا بجز از خاک درش با که بود بازارم

در فرمایشات امام خمینی قدس سره در شرح حدیث اخلاص حضرت صادق علیه‌السلام به نکات فراوانی پرداخته شده است: «طریق تخلیص اعمال از جمیع مراتب شرک و ریا و غیر آن، منحصر به اصلاح نفس و ملکات آن است که آن سرچشمه تمام اصلاحات و منشأ جمیع مدارج و کمالات است؛ چنانچه اگر انسان حبّ دنیا را به ریاضات علمی و عملی از قلب خارج کند، غایت مقصد او دنیا نخواهد بود و اعمال او از شرک اعظم، که جلب انظار اهل دنیا و حصول موقعیت در نظر آنها است، خالص شود و جلوت و خلوت و سرّ و علن او مساوی شود. و اگر با ریاضات نفسانیّه بتواند حبّ نفس را از دل بیرون کند، به هر مقداری که دل از خودخواهی خالی شد، خداخواه شود و اعمال او از شرک خفی نیز خالص شود. و مادامی که حب نفس در دل است و انسان در بیت مظلم نفس

است، مسافر إلى الله نیست؛ بلکه از مَخْلَدین إلى الارض است. و اَوَّل قدم سفر إلى الله ترک حبّ نفس است.» (شرح چهل حدیث، ص ۳۳۲)

امام صادق علیه السلام درباره ضابطه و ملاک تشخیص اخلاص از ریا می‌فرماید: «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۳۰) عمل خالص کاری را می‌گویند که اراده نکنی جز خدا کسی برای آن از تو تقدیر و ستایش کند.»

مرحوم میرزای شیرازی بزرگ در مجلسی حضور داشت که یک پیرمرد روحانی وارد شد. مرحوم میرزا برای او احترام فوق العاده‌ای کرد؛ به‌طوری که حاضرین تعجب کردند و سبب آن را پرسیدند. فرمود: «در این روحانی روحیه عجیبی وجود دارد؛ او هستی خود را در راه اخلاص گذاشت... من و این شخص روحانی هم‌درس و هم‌بحث بودیم. پس از آنکه ایشان به درجه رفیعی از اجتهاد رسید، قصد مهاجرت به شهر خودش را نمود تا در آنجا مرجع و مقتدای مردم باشد و لیکن در بین راه به دهکده‌ای برخورد کرد که اهالی آن «علی الهی» بودند؛ یعنی کسانی که علی علیه السلام را خدا می‌دانند. این عالم بزرگوار بر خود واجب شرعی دانست که در آنجا بماند تا آن مردم را از آن گمراهی به راه راست هدایت کند. او از ریاست معنوی و ظاهری مرجعیت دست شست و در آن دهکده ماند. در مسجد آنجا اعلام نمود که: مردم! من استاد و معلم شما و بچه‌هایتان هستم و اجرت و مزد هم به اندازه امرار معاش می‌گیرم و به این نحو توانست بسیاری از بچه‌ها را گرد آورد. پس ایشان مشغول تعلیم بچه‌ها به خواندن و نوشتن درس و عقاید خداشناسی و سایر برنامه‌های اسلامی شد و به اندازه‌ای این طرح نتیجه بخش بود که عده زیادی مؤمن شدند و اهالی این آبادی که همه علی الهی بودند، تمامی موحد و مؤمن و خداشناس شدند.» (پندهایی از رفتار علمای اسلام، ص ۵۶)

در قرآن کریم از زبان رسول اعظم (ص) می‌خوانیم: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»؛ (کهف / ۱۱۰) «پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.»

ما نه رندان ریایم و حریفان نفاق

آن که او عالم سر است بدین حال گواست

فرض ایزد بگذاریم و به کس بد نکنیم

و آنچه گویند روا نیست نگوییم رواست

سؤالی که باید هر یک از خود بپرسیم این است که چگونه می‌توانیم متوجه عمل ریایی خود شویم؟ امیر المؤمنین علیه السلام در پاسخ سؤال ما نشانه‌های ریاکاران خودپرست را این‌گونه بیان می‌فرماید: «ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ لِلْمُرَائِي يُنْشَطُ إِذَا رَأَى النَّاسَ وَ يَغْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ؛ (الكافی، ج ۲، ص ۲۹۵) برای ریاکار [خودپرست] سه نشانه است: وقتی که مردم را ببیند، بهجت و نشاط دارد و زمانی که تنها است، [اعمال نیک را با بی‌حالی انجام می‌دهد] و کسل است و در همه کارهایش دوست دارد او را تعریف و تمجید کنند.»

در بیان دیگری می‌فرماید: «لِلْمُرَائِي أَرْبَعُ عَلَامَاتٍ: يَغْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ وَ يَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا أَتَتْهُ عَلَيْهِ وَ يَنْقُصُ مِنْهُ إِذَا لَمْ يَثْنَى عَلَيْهِ؛ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۸۰) ریا کار چهار علامت دارد: اگر تنها باشد، اعمال خود را با کسالت به‌جا می‌آورد و اگر در میان مردم باشد، با نشاط انجام می‌دهد و هر گاه مردم او را مدح و ثنا گویند، بر عملش می‌افزاید و هر گاه ثنا نگویند، از آن می‌کاهد.»

امام خمینی قدس سره در شرح این معنا آورده است که: «اگر انسان کارهایش محض رضای خدا یا برای جلب رحمت یا برای خوف از جهنم و شوق به بهشت است، چرا میل دارد هر کاری می‌کند،

مردم مداحی او را بکنند؟ گوشش به زبان مردم و دلش پیش آنها است که ببیند کی از او مدح می‌کند، کی می‌گوید آقا چه آدم مقدس مواظب به اول وقتی مراقب مستحباتی است! حاجی آقا چه آدم صحیح درستی است! در معاملات کذا و کذا است! اگر خدا منظور است، این حب مفرط چیست؟ اگر بهشت و جهنم تو را به عمل وادار کرده است، این حب چه می‌گوید؟ ملتفت باش که این حب از همان شجره خبیثه ریا است و تا می‌توانی در صدد اصلاح برآ و خود را اگر ممکن است، از امثال این محبت‌ها خالص کن!» (شرح چهل حدیث، ص ۵۶)

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ أَجَلَ مِنْ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى غَيْرُهُ؛ (تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام، ص ۳۲۸) خداوند متعال نعمتی بزرگتر از این به بنده‌ای نداده است که در قلبش با خدا، دیگری نباشد.» سفیان ثوری از مقدس مآبان ریاکار، در مسجد الحرام، امام صادق علیه‌السلام را دید که لباس با ارزش خوبی بر تن دارد. گفت: والله! به نزد او می‌روم و توبیخش می‌کنم...! آن‌گاه نزدیک حضرت رفت و گفت: یابن رسول الله! به خدا قسم! لباسی را پوشیده‌ای که نه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله همانندش را پوشیده، نه علی علیه‌السلام و نه هیچ‌یک از پدران! امام علیه‌السلام فرمود: «در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مردم دست به گریبان فقر و تنگدستی بودند؛ اما بعدا دنیا رو به گشایش نهاد و شایسته‌ترین اهل دنیا در استفاده از نعمت‌های فراوان الهی، نیکان می‌باشند. پس این آیه را خواند: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؟» (اعراف / ۳۲) «بگو زیورهایی را که خدا برای بندگان پدید آورده و نیز روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟» حضرت ادامه داد: پس ما شایسته هستیم که آنچه را خدا عطا فرموده، مورد استفاده قرار دهیم. ای سفیان! آنچه را که می‌بینی من پوشیده‌ام، به‌خاطر مردم و حفظ آبرو است. آن‌گاه او را گرفت و لباس خود را عقب زد و لباس زیرینش را که زبر و خشن بود، نشان داد و فرمود: این را برای خودم و آن‌را که دیدی برای مردم پوشیدم. آن‌گاه لباس‌های ریایی سفیان را نشان داد که بر عکس امام، لباس زیرینش لطیف و لباس رویی‌اش خشن بود و فرمود: تو این لباس را برای مردم پوشیده‌ای و لباس زیرین را که مخفی است، برای راحتی و تن‌پروری پوشیده‌ای.» (بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۶۰)

امام خمینی قدس سره عکس و رساله خود را تا روزهای آغاز نهضت (که مردم چاپ و پخش کردند) اجازه چاپ و پخش ندادند و تازه در آن شرایطی که فریاد مقلدین از نداشتن توضیح المسائل ایشان به آسمان بلند شده بود، فقط چاپ آن را اجازه دادند؛ ولی از وجوهات شرعیه صرف چاپ آن نکردند و بودجه اولین چاپ توضیح المسائل ایشان از طرف خود مردم جمع‌آوری و تأمین گردید و تا روزی که در قم می‌زیستند، حتی یک جلد رساله به‌طور رایگان در اختیار کسی نگذاشتند و اصولاً در منزل ایشان رساله یافت نمی‌شد. (حجة الاسلام و المسلمین سید حمید روحانی - تحلیلی از نهضت امام خمینی - ج ۱)

چنین رفتاری نشانه فهم خوب و عمل به فرمایش امیرمؤمنان علی علیه‌السلام است که می‌فرماید: «كَيْفَ يَسْتَطِيعُ الْإِخْلَاصَ مَنْ يَغْلِبُهُ الْهَوَى؛ (عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، ص ۳۸۳). چگونه توانایی بر اخلاص دارد کسی که هوای نفس بر او غالب است؟» ... «قَلَّ الْأَمَالُ تَخْلُصُ لَكَ الْأَعْمَالُ؛ (غرر الحکم، ص ۸۲۱، ح ۲۹۰۶) آرزوها را کم کن تا اعمال تو خالص شود.»

خوب است نمونه‌های اخلاص را در رفتار بزرگان دائماً مرور کنیم تا با ظرایف بیش‌تری از مجاهدت در این زمینه آشنا شویم: مرحوم سلطان الواعظین شیرازی نقل می‌کند: «زمانی که کتاب مفاتیح الجنان تازه منتشر شده بود، روزی در سرداب سامراء آن را در دست داشتم و مشغول زیارت

بودم. دیدم شیخی با قبای کرباس و عمامه کوچک نشسته و مشغول ذکر است. شیخ از من پرسید: این کتاب از کیست؟ گفتم: از محدث قمی، آقای حاج شیخ عباس است و شروع به تعریف وی کردم. شیخ گفت: این قدر هم تعریف ندارد، بی خود تعریف می کنی! من ناراحت شدم و گفتم: آقا! برخیز و برو! کسی که پهلوی من نشسته بود، دست زد به پهلویم و گفت: مؤدب باش! ایشان خود محدث قمی، آقای حاج شیخ عباس هستند. من فوراً برخاستم با آن مرحوم روبوسی کردم و عذر خواستم و خم شدم که دست ایشان را ببوسم، ولی آن مرحوم نگذاشت و خم شد دست مرا بوسید و گفت: شما سید هستید.» (ستارگان حرم، ج ۴، ص ۱۷۶)

برای اهل علم لازم است به دقایقی توجه کنند که شاید مردم عادی به این اندازه به آن مبتلا نباشند؛ امام خمینی قدس سره می نویسد: «تحصیل علم دیانت که از مهمات اطاعات و عبادات است، انسان گاهی مبتلا می شود در این عبادت بزرگ به ریا؛ در صورتی که خودش هم ملتفت نیست به واسطه همان حجاب غلیظ حب نفس. انسان میل دارد در محضر علما و رؤسا و فضلا، مطلب مهمی را حل کند؛ به طوری که کسی دیگر حل نکرده باشد و خود او متفرد باشد به فهم آن و هر چه مطلب را بهتر بیان کند و جلب نظر اهل مجلس را بنماید، بیش تر مبتهج است و هر کس با او طرف شود، میل دارد بر او غلبه کند و او را در بین جمعیت خجل و سرافکنده کند و حرف خود را حق یا باطل، به حلق خصم فرو ببرد و بعد از غلبه یک نحو تدلل و فضل فروشی در خود ادراک می کند. اگر یکی از رؤسا هم تصدیق آن کند، نور علی نور می شود. بی چاره غافل از آنکه اینجا در نظر علما و فضلا موقعیت پیدا کرده؛ ولی از نظر خدای آنها و مالک الملوك همه عالم افتاد و این عمل را به امر حق تعالی وارد سجین کردند. در ضمن، این عمل ریایی مخلوط به چندین معصیت دیگر هم بود؛ مثل: رسوا کردن و خوار نمودن مؤمن، اذیت کردن برادر ایمانی، گاهی جسارت کردن و هتک کردن از مؤمن که هر یک از آنها از موبقات و برای جهنمی کردن انسان، خود مستقل اند.» (شرح چهل حدیث، ص ۴۹)

امام راحل (ره) فرمود: «باید به خدای تعالی از شرّ مکاید نفس پناه ببریم که مکاید آن خیلی دقیق است؛ ولی اجمالاً می دانیم که اعمال ما خالص نیست. اگر ما بنده مخلص خداییم، چرا شیطان در ما این قدر تصرف دارد؟ با آنکه او با خدای خود عهد کرده است که به «عباد الله المخلصین» کار نداشته باشد و دست به ساحت قدس آنها دراز نکند. به قول شیخ بزرگوار ما - دام ظلّه - شیطان، سگ درگاه خدا است، اگر کسی با خدا آشنا باشد، به او عوعو نکند و او را اذیت نکند. سگ در خانه، آشنایان صاحبخانه را دنبال نکند. شیطان نمی گذارد کسی که آشنایی با صاحبخانه ندارد، وارد خانه شود. پس اگر دیدی شیطان با تو سر و کار دارد، بدان کارهایت از روی اخلاص نیست و برای حق تعالی نیست. اگر شما مخلص اید، چرا چشمه های حکمت از قلب شما به زبان جاری نشده با اینکه چهل «سال» است به خیال خود قربۀ الی الله عمل می کنید؟! پس بدان اعمال ما برای خدا نیست و خودمان هم ملتفت نیستیم و درد بی درمان همین جا است.» (شرح چهل حدیث، ص ۵۲)

همائی چون تو عالی قدر حرص استخوان تا کی در ریغ آن سایه همت که بر نااهل افکندی

در سوگ چهارمین خوشید آسمان امامت و ولایت

اسیران آل محمد (ص) رو روز دوازدهم محرم وارد کوفه کردند. زینب (س) روزگاری بانوی گرانقدر این شهر بود. این شهر مدتی مرکز حکومت امیرمؤمنان (ع) بود امام سجاد (ع) رو با تنی رنجور و زنجیر در گردن وارد شهر کردند. امام رو به مردم کرد و فرمود: مردم، آنکه مرا می شناسد، می شناسد. آنکه مرا نمی شناسد خود را به او می شناسانم. من علی، فرزند حسین، فرزند علی بن ابی طالبم. من پسر آنم که حرمتش را در هم شکستند، خاندانش را اسیر و اموالش را غارت

کردند. من پسر آنم که در کنار نهر فرات سر بریدند، در حالی که نه به کسی ستم کرده و نه کسی را فریب داده بود. من پسر آنم که او را از قفا سر بریدند ... ای مردم آیا شما به پدرم نامه ننوشتید؟ و با او بیعت نکردید؟ و پیمان نیستید؟ و فریش ندادید؟ و به پیکار او برنخاستید؟ چه زشت‌کار و چه بداندیشه‌اید. اگر رسول خدا به شما بگوید: فرزندان من را کشتید! و حرمت مرا در هم شکستید! شما از امت من نیستید، به چه رویی به او خواهید نگریست؟

گفتم ای مردم منم مکه منا گفتم ای مردم منم سعی و صفا

گفتم ای مردم عزیز حیدرم مصطفی از من، من از پیغمبرم

لیک آتش بر دل تنگم زدند نام زهرا بردم و سنگم زدند

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة